

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

فرستنده: مجله هفته و یادداشت پورتال  
۱۱ جنوری ۲۰۲۲

بیانیه حزب کمونیست فدراسیون روسیه

**با وجود فتنه گری باید صدای زحمتکشانش قزاقستان شنیده شود!**



هر حرکت اجتماعی دارای اجزای مختلفی است. رویدادهای قزاقستان شامل نارضایتی اجتماعی، فعالیت های «ستون پنجم» و اقدامات گروه های تروریستی است. در عین حال، «ستون پنجم» در اینجا هم شامل افراطیونی اسلامگرا می شود و هم سازمان های غیردولتی متعددی که توسط غرب برای این کار آماده و تحریک شده اند، و همچنین نیروهای امنیتی که به گرفتن ماهی درین آبهای گل آلود هستند. و الیگاری که حاضر به استفاده از اعتراضات توده ئی برای جابه جایی مجدد قدرت است.

اقوام برادر روسیه و قزاقستان در طول قرن ها تاریخ مشترک خود پیوند نزدیکی دارند. ما اتحاد جماهیر شوروی را با هم ساختیم و دشمنان را مشترکاً شکست دادیم و به دستاوردهای اقتصادی و اجتماعی برجسته خود افتخار می کنیم. ما با هم فرآیند ادغام را با تأسیس EurAsEC ، SCO و CSTO احیاء کرده ایم.

رفقاء و دوستان ما امروز روزهای سختی را پشت سر می گذارند. اعتراضات گسترده در سراسر قزاقستان آغاز شد. در الماتی، پایتخت جنوبی، ناآرامی های خونین با قربانیان و ویرانی های زیادی رخ داد.

در تحلیل دقیق و همه جانبه آنچه رخ داده است، موارد زیادی وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد. واضح است که وضعیت قزاقستان پیامد مستقیم فاجعه ای است که سی سال پیش برای همه اتفاق افتاد. نابودی اتحاد جماهیر شوروی، کنار گذاشتن نظام سوسیالیستی و حاکمیت شوراهای، تله های مین گذاری شده متعددی را تحت عنوان و زیر کنترل دولت های «مستقل و دموکراتیک» جدید در مسیر ما قرار داد. سرمایه داری بدوی که جمهوری های پس از شوروی به آن

پرتاب شدند، ناگزیر کارگران را به فقر و محرومیت از حقوق شان محکوم کرد و نابرابری های آشکار را در جوامع پسا شوروی ایجاد کرد. در عین حال، کشورهای ما در برابر تهدیدات خارجی به شدت آسیب پذیر شدند.

خلاف وعده های لیبرالی، دولت های جدید به عضویت کامل «دنیای متمدن» پذیرفته نشدند. سرمایه جهانی آنها را در ماجراجویی های ژئوپلیتیکی قدرت های امپریالیستی به ضامن کالا و بازار، منابع نیروی کار ارزان و آلت دست تبدیل کرده است.

قزاقستان نیز مسیری متزلزل را طی کرده است. شاخه های پیشرفته تولید در گرداب خصوصی سازی غرق شدند. بخش مواد خام به سرمایه خارجی سپرده شد. شرکت های شورون و اکسون موبیل (ایالات متحده آمریکا)، توتال (فرانسه)، رویال داچ شل (بریتانیا و هلند) جایگاهی مهم و تأثیر گذار در بخش نفت و گاز به دست آوردند. آرسلور میتال، یک شرکت چند ملیتی، مالک جدید صنعت فولاد قزاقستان شد.

بورژوازی جوان قزاق نیز در بهره برداری از نیروی کار و منابع مواد خام کشور در ارتباط نزدیک با سرمایه خارجی قرار دارد و از منافع مشترکی با آنها برخوردار است. هم در روسیه و هم در اوکراین، در فرآیند «انباشت سرمایه اولیه» از هیچ چیزی چشم پوشی نکرده است. بسیاری از ثروتمندترین افراد اساساً با قدرت ادغام و آمیخته شده اند. تقریباً در همه جای کشورهای به وجود آمده پس از شوروی، یک سیستم نمونه الیگارش-کمپرادور سرمایه داری وحشی مانند آنچه در قزاقستان است ایجاد شده است.

نابرابری در جمهوری ها بیش از پیش افزایش یافت. از درآمد ملی کشورها فقط مقادیر ناچیزی نصیب مردم شان می شود. اختلافات بر سر مالکیت و تشنج های اجتماعی افزایش یافته. در سال ۲۰۱۱، اعتصاب یک ماهه کارگران نفت در ژانوزن با درگیری و کشته شدن ۱۶ نفر پایان یافت. مسؤولان با افزایش سن بازنشستگی به ۶۳ سال برای مردان و زنان، نگرش خود را نسبت به مردم قزاقستان نشان دادند.

همه گیری ویروس کرونا سرانجام اسطوره «صلح اجتماعی» در قزاقستان را به لرزه انداخت. نرخ رسمی فقر نیز افزایش یافته است. اگر استاندارد جهانی حداقل نیاز روزانه ۵.۵ دلار را در نظر بگیرد، از هر هفت نفر اینجا یک نفر فقیر به حساب می آید.

بر اساس بررسی ها، نسبت کسانی که حتی غذای کافی برای خوردن در اختیار ندارند از ۳ درصد به ۱۳ درصد افزایش یافته است. ۴۴ درصد دیگر از قزاق ها ادعان دارند که فقط پول کافی برای خرید مواد غذایی دارند. در همین حال، تعداد میلیاردی های دالری در سال اول همه گیری از چهار به هفت نفر رسیده است و مجموع ثروت آنها تقریباً دو برابر شده است.

طی دو سال گذشته یک سری اعتصابات بدون وقفه در قزاقستان رخ داده است. بزرگترین تظاهرات در مناطق غربی برگزار شد. آنها به عنوان تأمین کننده اصلی صادرات کشور - نفت و گاز - پیشرو در مبارزه با نابرابری در کشور هستند. هزاران نفر در مخالفت با به تعویق افتادن پرداخت دستمزدها و اخراج کارگران از کار دست به اعتراض زدند و خواهان افزایش دستمزدها شدند. این اتفاقات در حالی می افتاد که قیمت ها به طور غیرقابل تصویری افزایش یافت. حتی بر اساس آمارهای رسمی، تورم مواد غذایی طی دو سال ۲۰ درصد بوده است.

خواسته های موجه شهروندان ناراضی از سوی مسؤولان قزاقستان نادیده گرفته شد. کمک دولتی به جامعه و مردم در طول دوران پاندمی به وضوح ناکافی بود.

اقدامات سختگیرانه قرنطینه نارضایتی مردم قزاقستان را برانگیخت. دولت قزاقستان نیز مانند روسیه، به آنچه به «بهینه سازی» (رفورم های نولیبرالی ریاضتی در زمینه محدود سازی و کوچک کردن هزینه دستمزد و تجارتي کردن

سیستم سلامت با کپی برداری از روی کشورهای غربی که منجر به سگته و سقوط کیفی و کمی در زمینه خدمات سلامت، پزشکی و بیمارستانی می شود - مترجم) ویرانگر مراقبت‌های بهداشتی بوده است روی آورده بود، که مستقیماً بر آمادگی در مقابل همه‌گیری تأثیر منفی گذاشته است.

برخی از اقدامات انجام شده توسط مقامات از سوی مردم به عنوان اقداماتی تمسخرآمیز تلقی شد. به عنوان مثال، رئیس جمهور در پائیز به شهروندان وعده داد که می‌توانند بخشی از پس‌انداز بازنشستگی خود را برای امرار معاش استفاده کنند. با این حال، چند روز قبل از شروع سال، حداقل مقداری برداشت از پس‌انداز بازنشستگی مجاز - به میزان قابل توجهی افزایش یافت. مثلاً برای شهروندان ۶۲-۵۹ ساله، بیش از ۹ میلیون تنگه، یعنی ۱.۵ میلیون روبل. اما تعداد شهروندان قزاقی که صاحبان چنین «ذخایر غنی» در کشور باشند بسیار ناچیز است.

طبقه حاکم به جای حل مشکلات اجتماعی، ترجیح داد به ایجاد اختلاف و دشمنی در جامعه دامن بزند، راه اندازی سازماندهی شده اقدامات ضد اقلیت روس در قزاقستان یا «روس‌هراسی» و ایجاد نفرت قومی. در کتاب‌های مدرسه، به دانش‌آموزان و جوانان قزاق چیزهایی در مورد «استعمار روسیه» و «توتالیتاریسم خونین اتحاد شوروی» تدریس شد. کمپینی برای بی‌گناه جلوه دادن کامل همه «قربانیان سرکوب»، از جمله کسانی که متحد هیتلر بودند، رسماً راه اندازی شد. یادبودهایی برای شخصیت‌هایی مانند مصطفی شوکای که با نازی‌ها همکاری می‌کرد ساخته شد. خیابان‌ها و مدارس به نام آنها نامگذاری شد. مقامات به طور فزاینده‌ای در مورد «هولوکاست قزاقستان» گمانه‌زنی کردند و دست به تحریف شدید حقایق تاریخی و تاریخ‌سازی زدند. نیروهای ناسیونالیست نزدیک به دولت مستقیماً خواستار به رسمیت شناختن قحطی به عنوان «نسل‌کشی» و «پاکسازی قطعی ضد کمونیستی» شدند.

در هیستری ویرانگر، آخرین مجسمه‌ها و یادبودهای لنین در کشور ویران شد و نام خیابان‌ها، محلات، روستاها و بسیاری از شهرها تغییر یافت. در پایان سال گذشته موج جدیدی از نفرت سیاسی جمهوری را فرا گرفت. ده‌ها خیابان و شهر را تغییر نام دادند. در کاراگاندا، ناحیه اکتوبر به نام علیخان بوکچانوف، رهبر حزب بورژوازی آتش، که با کولچاک و آتامان دوتوف در مبارزه با حکومت شوروی متحد بود، تغییر نام پیدا کرد.

علی‌رغم دوستی رسمی بین خلق‌های قزاق و روس، رهبری قزاقستان به محدود کردن دامنه زبان روسی و تبعیض علیه شهروندان روسی زبان ادامه داد. در پایان سال گذشته، پارلمان لایحه‌ای را تصویب کرد که به موجب آن اطلاعات فقط به زبان قزاقستانی منتشر می‌شود. تبدیل کامل الفبای قزاقستان از سیریلیک به الفبای لاتین تا سال ۲۰۲۵ برنامه ریزی شده است.

سیاست‌هایی از این دست منجر به مهاجرت دسته‌جمعی بخشی از مردم قزاقستان شده است. نسبت روس‌ها در این جمهوری از ۳۸ درصد به ۱۸ درصد در دوره پس از شوروی کاهش یافت. در سال ۲۰۱۹، تعداد ۴۵۰۰۰ نفر کشور را ترک کردند که ۸۵ درصد آنها روس، اوکراینی و آلمانی بودند. قزاقستان یک برنامه دولتی برای کوچ دادن شهروندان به مناطق شمالی و عمدتاً روس‌نشین دارد.

«گشت‌های کنترل زبان» به پدیده‌ای منجر کننده تبدیل شده است. آنها با تحقیر شهروندانی را که زبان قزاقی را به خوبی صحبت نمی‌کنند آنان، در مقابل دوربین‌های رسانه‌ای قرار داده و مجبور به عذرخواهی کردند. مقامات برای مدت طولانی چشم خود را روی این اعمال تبعیض‌آمیز بسته بودند. و تنها زمانی مجبور به نشان دادن عکس‌العمل منفی به این رفتار شدند که رسانه‌های روسی به شکل مفصل به این پدیده تبعیض‌آمیز اشاره کردند.

چنین سیاستی توسط بسیاری از سازمان‌های غیردولتی (NGO) طرفدار غرب مستقر در قزاقستان مورد استقبال قرار گرفت. خود مقامات در حالی که از اتحاد اوراسیا حمایت می‌کردند، اما در عین حال با پایتخت‌های غربی مشغول

معاشقه بودند. روابط با ایالات متحده به سطح «مشارکت ستراتیژیک گسترده» رسیده است. هر سال تمرینات نظامی مشترک با ناتو در قزاقستان برگزار می شود. با مشارکت امریکائی‌ها آزمایشگاه‌های زیستی (بیو لابراتوار) متعددی راه‌اندازی شد که تحقیق در مورد آنها پرسش‌های بسیاری را در بین کارشناسان داخلی و خارجی ایجاد می‌کند. در همان حال که دولت قزاقستان مشغول همکاری و حمایت از سیاست های ناسیونالیستی بود، همزمان به طور سیستماتیک دست به سرکوب اپوزیسیون چپ زد. هم کمونیست ها و هم اتحادیه های کارگری مستقل تحت فشار شدید قرار گرفته اند.

در این شرایط و با این زمینه، یک تحول اجتماعی در کشور به وجود آمد و آن افزایش قیمت گاز مایع بود. قیمت گاز طبیعی مایع به شدت بالا رفت - دو برابر شد! مسؤولان پیش از این از حرکت به سمت «قیمت های بازار» و حذف کامل یارانه ها خبر داده بودند. کانون نارضایتی ها در غرب قزاقستان بود. از یک طرف، موارد مصرف عمومی گاز مایع در آنجا بسیار گسترده است و از طرف آحاد مردم برای گرم کردن آپارتمان ها و سوخت گیری اتومبیل ها استفاده می شود. دوم این که سوخت در این منطقه با تلاش مستقیم بسیاری از ساکنان آن تولید می‌شود یعنی بسیاری در این بخش اقتصادی فعالند و گذران زندگی شان به تولید گاز مربوط است، اما مسؤولان به مردم می گویند که قیمت های سابق را فراموش کنید و تسلیم بازار آزاد شوند. بدین ترتیب آنها آنجا را به کانون اعتراضات تبدیل کردند.

در عرض چند روز، خشم از افزایش قیمت ها به سایر مناطق جمهوری گسترش یافت. تظاهرات در ابتداء مسالمت آمیز بود. شرکت کنندگان در این تجمع ها خواستار کاهش قیمت ها، افزایش دستمزد و مزایا شدند و بر بازگرداندن سن بازنشستگی به وضعیت قبلی اصرار داشتند. کارگران چندین میدان نفتی در همبستگی با معترضان و تظاهرکنندگان دست به اعتصاب زدند.

با این حال، شرایط به سرعت تغییر کرد و از کنترل خارج شد. اولین اقدامات تروریستی و خرابکاری در شهرهای ژانائوزن و آکتائو در منطقه مانگیستاو در جنوب غربی قزاقستان رخ داد. ناآرامی ها سپس به درگیری های خشونت آمیز در الماتی و دیگر شهرها تبدیل شد. به ویژه فرودگاه های آکتوب، آکتائو و الماتی فلج شدند. امنیت پایگاه فضائی بایکونور به خطر افتاد. گروه هائی از افراد جوان مسلح به نیروهای امنیتی حمله کردند، ساختمان ها را اشغال و تخریب کردند و به پزشکان، آتش نشانان و غیرنظامیان حمله کردند. موجی از غارت شهرها را فرا گرفت.

واضح است که اقدامات تخریبی توسط کسانی انجام شده است که هیچ ارتباطی با اکثر معترضان نداشتند. گروه های جنایتکار از قیام های مردمی در قزاقستان برای اهداف خود استفاده می کنند. اول از همه، هسته های اسلام گرای رادیکال وجود دارند. فعالیت آنها در خشونت که علیه نیروهای امنیتی صورت گرفت مشهود است. به خصوص در الماتی که به طور سنتی سنگر نفوذ لیبرالیسم در نظر گرفته می شد کار تا آنجا پیش رفت که سر مردان یونیفرم پوش بریده شد. نیروهای خارجی نفوذی نیز فعال شدند. الماتی شهری است که دفاتر بسیاری از سازمان های غیردولتی طرفدار غرب در آن قرار دارند. جنایتکاران مرتبط با گروه های ملی گرا در نهایت کار را به خشونت گشادند. حملات هدفمند به دادستان های عمومی و سرویس های ویژه، آتش سوزی، مصادره اسلحه، کشتار در مغازه ها و سایر مؤسسات عمومی مؤید این امر است.

نمی توان این امکان را کاملاً رد کرد که اقدامات همه این نیروها از یک مرکز هماهنگ شده بود که هدف آن بی ثبات کردن قزاقستان بود. با این حال، رهبری قزاقستان نمی تواند این واقعیت را کتمان کند که مقامات با فعالیت های نیروهای طرفدار غرب مدارا کردند و نسبت به اسلام گرایان نگرش آشتی جویانه داشتند و از مسؤلیت خود شانه

خالی کردند. کمیته امنیت ملی درخواست های متعدد برای ممنوعیت فعالیت های سلفی ها (وهابیون) را رد کرده است. مبلغان وهابیت که در عربستان سعودی و سایر کشورهای عربی آموزش دیده بودند در قزاقستان مشغول فعالیتند. برای روسیه این یک ضرورت است که کل جریان وقایع را در یک بستر وسیع بین المللی مشاهده کند. وضعیت سیاسی- نظامی در مرزهای غربی روسیه در ماه های اخیر به طرز چشمگیری بدتر شده است. فشار اقتصادی، اطلاعاتی، دیپلماتیک و نظامی بر کشور ما افزایش یافته است. رسانه های غربی، دیپلمات ها، سیاستمداران و مقامات ناتو در موارد متعددی «نگرانی» ادعائی خود را در مورد طرح های «حمله به اوکراین» ابراز کرده و مسکو را به «اقدامات پیشگیرانه جامع» تهدید کرده اند.

در پس زمینه تشدید اوضاع در کشورمان، به مرزهای جنوبی روسیه ضربات جدی وارد آمده. با شروع سال جدید، حریفان روسیه در صحنه جهانی به میزان قابل توجهی سهم خود را در بازی در «صفحه بزرگ شطرنج» افزایش داده اند. در ۲ جنوری، مردم قزاقستان از «هدیه سال نو» مقامات - افزایش قیمت گاز - شوکه شدند. تروریست های مخفی و زیرزمینی که رهبری آنها از تجربه رزمی جهادگران در سوریه و عراق استفاده می کنند، بلافاصله از این خشم استفاده کرد. اقدامات بی ثبات کننده را در مقیاس بزرگ سازماندهی کردند. از یک سو، مخفیانه توانستند با توده تظاهرکنندگان عجین شوند، از سوی دیگر، توانستند عناصر جنایتکار لومپن را با خود همراه کنند.

هزاران نفر تاکنون قربانی فعالیت های جنایتکاران شده اند. صدها نفر در بیمارستان بستری شده اند، ده ها نفر تحت مراقبت های ویژه هستند و تعدادی نیز کشته شده اند. آشوبگران مانع کار آمبولانس ها و امکانات پزشکی می شوند، از سلاح گرم استفاده می کنند، مردم را ارباب می کنند، مغازه ها را غارت می کنند. ماهیت اقدامات آنها گواه فعالیت برنامه ریزی شده، هماهنگ و با بودجه خارجی است.

رئیس جمهور قزاقستان وضعیت فوق العاده اعلام کرد و دولت را برکنار کرد. با توجه به گستردگی وقایع و مداخله نیروهای خارجی، مقامات جمهوری از کشورهای متحد خود در پیمان دفاعی مشترک کمک خواستند. شورای عالی سازمان پیمان امنیت جمعی تصمیم به ارائه این کمک فوری برای ایجاد ثبات در وضعیت قزاقستان گرفت.

از نظر حزب کمونیست فدراسیون روسیه، استقرار نیروهای حافظ صلح CSTO اقدامی اجباری اما مناسب و به موقع برای خاموش کردن شعله های آتش یک «انقلاب رنگی» دیگر است. حزب کمونیست روسیه بشدت اقدامات ارتجاع بین المللی و عناصر جنایتکار را محکوم می کند. ما مداخله در امور داخلی قزاقستان و تلاش برای بی ثبات کردن آسیای مرکزی را که تهدیدی مستقیم برای کشور ما است، کاملاً غیرقابل قبول می دانیم.

حزب کمونیست فدراسیون روسیه از بازگشت قزاقستان به صلح و آرامش حمایت می کند. ما معتقدیم که وظیفه اصلی نیروهای حافظ صلح حفاظت از تأسیسات ستراتیژیک است که برای تضمین زندگی عادی شهروندان طراحی شده و ضروری است. مردم قزاقستان باید در برابر حملات تروریستی جهادگرانی که مشغول ایجاد و گسترش ترس و هراس در جامعه هستند محافظت شوند.

ما مطمئن هستیم که مأموریت صلح سازمان پیمان امنیت جمعی به ثبات وضعیت در منطقه آسیای مرکزی کمک خواهد کرد. در عین حال، ما معتقدیم که نیروهای حافظ صلح فقط باید برای اهداف ذکر شده استفاده شوند. ورود نیروهای حافظ صلح به فضای سیاست داخلی کشورهای عضو غیرقابل قبول است.

**درگیری های قبیله نی**

رهبری قزاقستان مرتکب اشتباه بزرگی خواهد شد اگر تظاهرکنندگان صلحجو و معترضان مسالمت آمیز را تحت تعقیب قرار دهد و همه آنها را به عنوان «تروریست» و «سئیزه جو» طبقه بندی کند. ما معتقدیم که دولت باید فوراً با کارگران و فعالان سیاسی وارد مذاکره شود. فوراً به خواسته های مشروع آنها برای بهبود وضعیت اجتماعی-اقتصادی پاسخ دهید.

حزب کمونیست فدراسیون روسیه خاطرنشان می کند که زمان آن فرا رسیده و باید سیاست های ضد روسی و روس هراسی و ضد شوروی در قزاقستان را خنثی کرده و کنار نهاده شود. تجزیه و تحلیل کاملی از فعالیت های سازمان ها و رسانه های طرفدار غرب در این کشور یک نیاز فوری است. همه این عوامل و کوتاهی ها قزاقستان را سال ها است که به میدان تاخت و تاز نیروهای ضد روسی تبدیل کرده و موجب خشم مردم کشور ما شده است.

زمان مذاکرات صادقانه و از بین بردن علل اصلی شکاف اجتماعی فاجعه بار نه تنها در قزاقستان بلکه در روسیه نیز فرا رسیده است. زیرا کشور ما پیام چشمگیر دیگری فرستاده است که سیاست تفرقه، ایجاد نابرابری و فقر ناگزیر کاسه صبر مردم را لبریز کرده است. وقتی دولتها به نفع الیگارشلی ها کار می کند و «خرده نان های سفره» زحمتکشان را نیز می بلعند، ناگزیر باید پاسخگوی اعمال خود باشند. آن زمان است که نه سرکوب خشن، نه شر خانمانسوز ملی گرایی، و نه دروغ های حامیان ضد شوروی و روس هراسی کمکی به آنها نخواهد کرد.

نتیجه اصلی رویدادهای قزاقستان این است که تلاش های بورژوازی ملی این کشور برای ادغام مردمان خود در دنیای سرمایه داری جهانی تنها آنها را به دست نشانده الیگارشلی جهانی تبدیل می کند. دست کشیدن از این سیاست ویرانگر به نفع مردم قزاقستان، روسیه و همه کشورهای دیگر است.

امروز بیش از هر زمان دیگری، نیاز به برنامه «ده قدم برای یک زندگی مناسب» احساس می شود. نه سرمایه خارجی یا «داخلی»، بلکه توده های زحمتکش باید صاحب کشور خودشان باشند!

### **یادداشت:**

پخش این مطلب به هیچ صورت به معنای تأیید مجموع نظرات این حزب به خصوص در رابطه با افغانستان که تا هنوز حاضر نشده اند، صریحاً تجاوز کشور شان را بر آن محکوم نمایند، نمی باشد.

به نظر ما این حزب در بررسی گذشته حزب کمونیست شوروی و اتحاد جماهیر شوروی، دچار دوالیسم مزخرف و ضد انقلابی می باشد که خودشان هم توان توضیح آن را ندارند. یعنی در حالی که سیاست های داخلی حزب و دولت شوروی را نقد نموده ضد انقلابی و رویزیونیستی می دانند، مگر سیاست خارجی آن حزب و دولت را که منطقی چیزیه به غیر از ادامه سیاست داخلی نبوده و نمی توانست باشد، مورد تأیید قرار می دهند. چنین برخوردی بیانگر آن است که آنها در امر انتقاد و انتقاد از خود صادق نبوده، بدی و جنایت را صرف برای خود نمی خواهند، در حالی که جنایت و کشتار دیگران را توسط دولت خودشان مورد تأیید قرار می دهند.

اداره پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان"